



# لیست ۵۰ فعل مرکب مناسب برای آزمون آیلتس

جاده آیلتس

در زیر ۵۰ فعل مرکب که در آیلتس کاربرد دارند را همراه با معنی و مثال برای شما لیست کرده‌ایم:

1. **Break down:** تفکیک کردن، خراب شدن

- The old car broke down on the highway.

2. **Bring up:** بزرگ کردن، از بچگی به چیزی علاقه مند شدن

- She was brought up in a small village.

3. **Call off:** لغو کردن

- The match was called off due to bad weather.

4. **Carry out:** انجام دادن، اجرا کردن

- The scientists carried out a series of experiments.

5. **Catch up:** دست یافتن، به دنبال دیگران رسیدن

- She ran as fast as she could to catch up with the others.

6. **Check in:** ورود کردن، ثبت نام کردن

- We have to check in at the hotel before 2 pm.

7. **Come across:** با چیزی یا کسی برخورد کردن

- I came across an old friend in the supermarket.

8. **Come up with:** پیشنهاد دادن، ارائه دادن

- She came up with a great idea for the project.

9. **Cut down:** کاهش دادن، کاهش دادن مصرف

- Doctors advised him to cut down on smoking.

10. **Drop off:** تحویل دادن، تحویل گرفتن، از دست دادن

- I will drop off the package at the post office.

11. **End up:** به پایان رسیدن، در نهایت

- She ended up living in a small apartment in the city.

**12. Figure out:** حل کردن، درک کردن

- I couldn't figure out how to solve the puzzle.

**13. Find out:** پیدا کردن، دریافتن

- She found out that the concert was cancelled.

**14. Get along:** رفت و آمد کردن، با هم زیستن

- They get along very well with their neighbors.

**15. Get away:** فرار کردن، دور شدن

- We decided to get away for the weekend.

**16. Get over:** بهبود پیدا کردن، فراموش کردن

- It took her a long time to get over the flu.

**17. Give up:** تسلیم شدن، ترک کردن

- He gave up smoking last year.

**18. Go ahead:** ادامه دادن، شروع کردن

- You can go ahead and start the meeting without me.

**19. Go over:** بررسی کردن، تجدید نظر کردن

- Let's go over the plan one more time.

**20. Hang out:** وقت گذراندن، با هم دوست شدن

- They like to hang out at the beach on weekends.

**21. Hold on:** منتظر بمانید، چسبیدن به چیزی

- Can you hold on for a moment?

**22. Keep up:** ادامه دادن، پیشرفت کردن

- She tries to keep up with her studies while working full-time.

**23. Lay off:** کاهش دادن تعداد کارکنان، اخراج کردن

- The company had to lay off several employees due to budget cuts.

**24. Look after:** مراقبت کردن، نگهداری کردن

- She looks after her elderly parents.

**25. Look into:** بررسی کردن، تحقیق کردن

- We need to look into the problem more closely.

**26. Make up:** تشکیل دادن، جبران کردن

- They made up after their argument.

**27. Move on:** به پیش رفتن، از گذشته فرار کردن

- She decided to move on and start a new chapter in her life.

**28. Pick up:** برداشتن، خریدن، دوباره شروع کردن

- I need to pick up some groceries on my way home.

**29. Put off:** به تعویق انداختن، بازگرداندن

- We had to put off the meeting until next week.

**30. Put up with:** تحمل کردن، قبول کردن

- She can't put up with his bad behavior any longer.

**31. Run into:** برخورد کردن با، تصادف کردن با

- I ran into an old friend on the street.

**32. Set up:** برپایی کردن، برنامه ریزی کردن

- She set up her own business last year.

**33. Show up:** حضور داشتن، ظاهر شدن

- He didn't show up for the meeting this morning.

34. Sort out: مرتب کردن، حل کردن

- We need to sort out the problem as soon as possible.

35. Take after: شبیه کسی شدن، تقلید کردن از

- She takes after her mother in many ways.

36. Take off: پرواز کردن، شروع به کار کردن

- The plane took off on time.

37. Take up: شروع کردن، به کار گرفتن، به علاقه ای پرداختن

- He decided to take up yoga to reduce stress.

38. Talk over: بحث کردن، گفتگو کردن

- We need to talk over the details of the project.

39. Think over: به دقت بررسی کردن، تامل کردن

- I need some time to think over your proposal.

40. Try out: امتحان کردن، تست کردن

- She tried out several different hairstyles before the wedding.

41. Turn down: رد کردن، کم کردن صدا و نور

- He turned down the job offer because of the low salary.

42. Turn up: پیدا شدن، حضور داشتن، متوجه شدن

- She turned up at the party unexpectedly.

43. Wake up: بیدار شدن، بیدار کردن

- I usually wake up at 6 am.

44. Walk out: خارج شدن، ترک کردن

- The employees decided to walk out in protest.

**45. Work out:** تمرین کردن، رفع مشکل کردن

- He works out at the gym three times a week.

**46. Write down:** یادداشت کردن، نوشتن

- Please write down your phone number for me.

**47. Be up to:** مشغول بودن به، بستگی داشتن به

- What are you up to these days?

**48. Break up:** جدا شدن، پایان دادن به رابطه

- They broke up after a long and difficult relationship.

**49. Come back:** بازگشتن، به یاد آوردن

- She came back to visit her hometown after many years.

**50. Get through:** پشت سر گذاشتن، با موفقیت انجام دادن

- She finally got through the difficult exam.

برخی از افعال مرکب که می‌توانند در بخش Writing نوشتاری مفیداند عبارتند از:

**1. Come up with an idea:** یک ایده پیشنهاد دادن یا اختراع کردن

من قصد دارم یک استارت‌آپ راه بندازم، در این رابطه باید به یک ایده جدید برای محصولم فکر کنم.

**2. Carry out a study:** یک مطالعه را انجام دادن یا پژوهشی را انجام دادن

ما برای بررسی تأثیرات تغذیه در بیماری‌های قلبی عروقی، یک مطالعه کنترل شده را انجام دادیم.

**3. Put forward a proposal:** پیشنهاد دادن یک طرح یا راه‌حلی برای رسیدن به یک هدف

من پیشنهاد می‌دهم که برای بهبود جریان ترافیک شهر، شبکه حمل و نقل عمومی را توسعه دهیم.

**4. Figure out a solution:** پیدا کردن یک راه‌حل برای یک مشکل

من سعی می‌کنم یک راه‌حل برای مشکلات تولید در زمینه پایداری محیط زیست پیدا کنم.

**5. Set up a plan: برنامه‌ریزی کردن و تدوین یک برنامه برای رسیدن به یک هدف**

من قصد دارم یک سفر به آسیا را برنامه‌ریزی کنم، برای این کار باید تمامی اقدامات لازم را برای آن انجام دهم.

**6. Give up a habit: ترک یک عادت نامطلوب یا خطرناک**

من قصد دارم ترک کنم که بدون ورزش کردن، زندگی کنم.

**7. Lay out a plan: برنامه‌ریزی کردن و تدوین یک برنامه به صورت دقیق و جزئی برای رسیدن به یک هدف**

من برای ایجاد یک کسب و کار، یک برنامه جامع و دقیق تدوین کردم که شامل مراحل مختلفی همچون بازاریابی، تولید، و مدیریت مالی است.

**8. Bring about a change: ایجاد یک تغییر در وضعیت فعلی**

این سیاست باید تغییر کند تا ما بتوانیم به مطالبات شهروندان پاسخگو باشیم.

**9. Take up a hobby: شروع کردن به یک سرگرمی یا علاقه مندی جدید**

من تصمیم گرفتم به جای تماشای تلویزیون، ورزش کردن را به عنوان سرگرمی دوست داشتنی انتخاب کنم.

**10. Write down a list: نوشتن یک لیست از چیزهایی که باید انجام شود**

من برای برنامه‌ریزی سفر خود، یک لیست از مواردی که باید برای آن انجام دهم، نوشتم.